

بررسی روان‌شناختی موانع امید در جامعه از منظر قرآن

مجید جعفری هرفته^۱، محمد کاویانی ارانی^۲

^۱ دکتری، گروه قرآن و روانشناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول). majidjafari@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه روانشناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. m_kavyani@rihu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی روان‌شناختی موانع امید در جامعه از منظر قرآن می‌باشد. این پژوهش براساس روش تحلیل محتوای کیفی سامان یافته است. بدین منظور منابع اسلامی و روان‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفت و مطالب در چیدمان منطقی استخراج گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که، از منظر قرآن و با یک نگاه روان‌شناختی می‌توان سه مانع شناختی، هیجانی و رفتاری را برای امید در جامعه مؤثر دانست. کفر، گمراهی و ترس از مرگ، از موانع شناختی امید در جامعه هستند. در حوزه عاطفی نیز می‌توان به سه مانع افسردگی، غرور و عدم انگیزش اشاره کرد. فقدان شرح صدر، و عدم خودمهارگری در ارتکاب گناهان نیز از جمله موانع حوزه رفتاری امید به‌شمار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: امید، جامعه، قرآن، غرور، مرگ، کفر.

استناد به این مقاله: جعفری هرفته، مجید؛ کاویانی ارانی، محمد (۱۴۰۲). بررسی روان‌شناختی موانع امید در جامعه از منظر قرآن. تربیت متعالی، (۱)۲، ص ۷۳-۹۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۰۳
ناشر: مرکز تربیت معلم مبلغ نوع مقاله: پژوهشی © نویسندگان <https://tarbiatmotali.ismc.ir/>



۱. مقدمه

هرچند امید از زمان خلقت آدمی وجود داشته است، اما بررسی علمی آن در زندگی انسان، قدمتی کوتاه دارد و دوران طفولیت خود را می‌گذراند (بهاری، ۱۳۹۰، ص ۱۳). اوی ریل^۱، کاتلین^۲ و چون^۳، امید را حالت شناختی تعریف کرده‌اند و بیان می‌کنند که وقتی اهداف دارای ویژگی‌های چهارگانه «دست‌یافتنی»، «تحت کنترل»، «مهم تلقی شده» و «جامعه‌پذیر و اخلاقی» باشند، امید شکل می‌گیرد (Snayder & Lopez, 2007, p. 301). امید و امیدواری لازمه حیات آدمیان است؛ به گونه‌ای که بدون آن، بنیان حیات مادی و معنوی بشر فرومی‌ریزد. اگر امید به پاداش مادی یا معنوی از زندگی انسان‌ها رخت بر بندد، انگیزه بشر نیز در فعالیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی از وی سلب می‌شود. در این حالت، بروز هرگونه فعالیت مثبت، از ساده‌ترین تا تخصصی‌ترین شکل آن، از وی کاملاً دور از انتظار است. به تعبیر ساده‌تر، آدمیان به امید زنده‌اند. امید به زندگی همواره در کنار سایر شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی و بهداشتی یک کشور و به عنوان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آنها، مورد توجه بوده و اهمیت آن از این‌رو است که به نوعی خلاصه‌کننده و ترکیب‌کننده بسیاری از متغیرهای دیگر است.

طبق نظریه اسنایدر^۴، ناامیدی حالت نکان‌دهنده‌ای است که با احساسی از ناممکن بودن امور، احساس ناتوانی و بی‌علاقگی به زندگی آشکار می‌شود (اسنایدر، ۲۰۰۰). از منظر قرآن نیز، ناامیدی عبارت از حالتی است که فرد یقین کند، آن چیزی که امید و انتظارش را دارد، تحقق نخواهد یافت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۵۶).

در نگرش و بینش قرآنی، امید عاملی مهم برای تحرک، تلاش، زندگی و مانعی برای دوری از افسردگی، خودکشی و طغیان است. در تعالیم اسلامی، امید و امیدواری، که از معرفت و شناخت نسبت به مبدأ و معاد حاصل می‌شود، اساس همه تلاش‌های مفید و پرثمر انسانی و نیز منشأ اصلاح امور جامعه و رسیدن جامعه به سعادت است؛ همان‌طور که ناامیدی و قطع امید از خداوند و روز جزا، منشأ فسادها و تبهکاری‌ها و منتهی شدن کار جامعه به شقاوت است.

امید در اجتماع با پیش‌فرض‌ها، اطلاعات ذهنی و نوع نگرش افراد ارتباط وثیقی دارد و متغیرها و عوامل مختلفی، کاهش یا افزایش آن را در جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین منظور، در پژوهش

-
1. Avrill
 2. Catlin
 3. Chon
 4. Snyder

حاضر، برخی از مهم‌ترین موانع امید از نگاه قرآن مورد بررسی روان‌شناختی قرار می‌گیرد. با وجود پژوهش‌های مختلف در زمینه امید، اما بررسی پیشینه پژوهش نشان داد که به موانع امید، یا با نگاه صرفاً روان‌شناختی یا اسلامی پرداخته شده است؛ البته آن را نیز تنها با نگاه فردی بررسی کرده‌اند. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد برآمد، تا به خلاء پرداختن به موانع امید در جامعه را از نگاه قرآن بپردازد. افزون‌بر آن، امروزه علی‌رغم پیشرفت‌های سریع فناوری، یکی از مشخصه‌های بارز و عینی در رفتار عموم جامعه، ضعف امید و امیدواری نسبت به آینده است. بنابراین، پرداختن به موانع امید در جامعه امری ضروری است. با در نظر گرفتن تمامی این موارد، پژوهش حاضر درصدد است تا موانع امید در جامعه را از منظر قرآن با نگاهی روان‌شناختی بررسی کند.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر، به طور کلی و از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های بنیادی (در مقابل تحقیقات کاربردی) است، که در پی افزایش حیطه دانش و آگاهی بوده و مرزهای دانش عمومی بشر را توسعه می‌دهد. هدف این نوع تحقیق، کسب دانش و آگاهی نو بدون در نظر گرفتن ارزش آن‌ها در ایجاد تغییرات اجتماعی است. این نوع تحقیق درصدد تدوین نکات قابل تعمیم یک نظریه یا یک پیش‌بینی انتزاعی است. کسب دانش بیشتر در نتیجه تحقیق بنیادی امکان‌پذیر است و این دانش پایه‌ای برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های عملی فراهم می‌سازد (دلاور، ۱۳۷۴، ص ۲۸-۳۰).

پژوهش حاضر براساس روش تحلیل محتوای کیفی سامان یافته است. تحلیل محتوا از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که به وسیله آن می‌توان، متون و اسناد و مدارک را، خواه مربوط به گذشته و خواه مربوط به زمان حال، مورد ارزیابی و تحلیلی منظم، با روش‌های متفاوت و دقیق قرار داد (فاضلی، ۱۳۷۶).

هدف تحلیل محتوا، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو و تصویری از واقعیت است (کریندورف، ۱۳۷۸، ص ۲۵). در حقیقت، پژوهشگر قصد دارد به لایه‌های پنهانی متن راه پیدا کند و به مراد واقعی تولیدکننده پیام دست یابد و براساس متن، خطوط فکری پدیدآورنده پیام را شناسایی کند و در این تجزیه و تحلیل، اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ و تمایلات متن را بکاود و زمینه را برای فهم دقیق‌تری از متن فراهم سازد (Zhang & Wildemuth, 2005, p. 2).

در این روش با استفاده از تحلیل مفهومی محتوای گزاره‌های دینی که از یک‌سو در پارادایم اجتهاد دانش دینی (علی‌پور و حسنی، ۱۳۸۹) قرار دارد و از سوی دیگر با روش «تحلیل محتوای تفسیری» و

«تحلیل محتوای کیفی» قابل تفسیر است؛ مصادیق موانع امید در آیات بررسی و زمینه تدوین بررسی روان‌شناختی موانع امید در جامعه از منظر قرآن فراهم گردید. بدین منظور مفاهیم همسان با امید در قرآن (از جمله رجا، تمنی، امل، لعل، طمع و عسی) و واژگان متضاد با آن (قنوط و یأس) و سایر آیاتی که موضوعات یا مضامین آنها با امید ارتباط داشت، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و مطالب در چیدمان منطقی و منظم استخراج گردید.

۳. موانع امید در جامعه

از نگاه قرآن و با یک بررسی روان‌شناختی می‌توان سه مانع مهم برای شکل‌گیری امید در جامعه برشمرد که عبارتند از: عوامل شناختی، عوامل هیجانی، عوامل رفتاری.

۱-۳. موانع شناختی

به موانعی گفته می‌شود که در آن، بر اشتباهات شناختی افراد نسبت به جهان و در زندگی فردی و اجتماعی تأکید می‌شود. به دیگر سخن، شناخت و افکار ناصواب فرد و جامعه از موانع تأثیرگذار در امید است.

۱-۱-۳. کفر

انسان دارای ویژگی روان‌شناختی مهمی است؛ به این مفهوم که در هنگام وفور نعمت پر از شادی و غرور است، اما به محض وقوع سختی و دشواری ناامید می‌شود. هنگامی که انسان به خداوند اعتقاد دارد، ناامیدی با روی آوردن و توجه به خداوند برطرف می‌شود و و تنها در یک مورد ناامیدی حقیقی وجود دارد و آن هنگامی است که انسان دچار کفر می‌شود. با توجه به جهان‌بینی الهی و توحید، این امر به سادگی تبیین می‌شود. از این رو است که تنها مانع حقیقی امید در انسان، کفر است. قرآن در آیاتی چند به این مسئله پرداخته است:

«يَا بَنِي إِدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛ ای پسران من بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا ناامید نباشید؛ زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا ناامید نمی‌شود» (یوسف، ۸۷). در تبیین این آیه گفته می‌شود، هنگامی که فرزندان یعقوب رفتار شایسته، خلق و خوی بزرگوارانه و آزادمنشانه فرمانروای مصر را برای پدرشان وصف کردند، یعقوب گفت: به نظر می‌رسد او یوسف باشد؛ و آنگاه افزود: اینک بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از نزدیک وضعیت آن دو را به دقت مورد مطالعه قرار دهید و از نام، دین و آیین پادشاه مصر جویا گردید؛ زیرا در ژرفای دل من این اندیشه پدید آمده که او یوسف است که «بنیامین» را

با این تدبیر نزد خود نگاه داشته است. عبارت «وَلَا تَيَاسُوهَا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ» در این آیه به صراحت بیان می‌کند که از گشایش و فرج خدا ناامید نشوید؛ زیرا انسان با ایمان و پروا پیشه هر آنچه را از خدا ببیند، همه را خیر و رحمت برای خود می‌نگرد؛ در سختی و گرفتاری به بارگاه او امید می‌بندد و در رفاه و آسایش او را ستایش می‌کند و سپاس نعمت‌های او را می‌گذارد؛ اما انسان کفرگرا اینگونه نیست؛ زیرا او اعتقادی به خداوند ندارد که منشأ واحدی برای سختی و آسانی موجود در کار خویش ببیند از این‌رو است که به یأس گرایش می‌یابد (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۲، ص ۲۸۷؛ تستری، ۱۴۲۳ق، ص ۸۳).

«رَوْح» و «روح» به معنای جان است، ولی «رَوْح» در موارد فَرَج و رحمت به کار می‌رود، گویا با گشایش گره و مشکل، جان تازه‌ای در انسان دمیده می‌شود؛ هر جا استعمال شود کنایه است از راحتی، که ضد تعب و خستگی است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۹). وجه این کنایه آن است که شدت بیچارگی و بسته شدن راه نجات در نظر انسان، نوعی اختناق و خفگی تصور می‌شود، همچنان که مقابل آن یعنی نجات یافتن به فراخنای فرج، پیروزی و عافیت، نوعی تنفس و راحتی به نظر می‌رسد؛ لذا می‌گویند خداوند «يُفْرِجُ اللَّهُمَّ وَيُفْسِلُ الْكَرْبَ» اندوه را به فرج، و گرفتاری را به نفس راحت مبدل می‌سازد. پس روحی که منسوب به خدا شود، همان فرج بعد از شدتی است که به اذن خدا و مشیت او صورت می‌گیرد و بر هرکس که ایمان به خدا دارد، لازم و حتمی است به این معنا معتقد شود که خدا هرچه بخواهد انجام می‌دهد و به هرچه اراده کند، حکم می‌نماید و هیچ قاهری نیست که بر مشیت او فائق آید یا حکم او را به عقب اندازد؛ و هیچ صاحب ایمانی نمی‌تواند و نباید از روح خدا مأیوس و از رحمتش ناامید شود؛ زیرا یأس از روح خدا و ناامیدی از رحمتش در حقیقت محدود کردن قدرت او به حساب می‌آید که به معنای کفر به احاطه و سعه رحمت اوست (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۱، ص ۳۱۹؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۸۱). کافران از رحمت الهی مأیوس می‌شوند؛ اما ایمان آورندگان به خدا و باورمندان روز رستاخیز، هرگز از رحمت خدایشان ناامید نخواهند شد؛ زیرا مؤمنان می‌دانند که خداوند قادر مطلق است و می‌تواند هر غمی را زایل و هر بلائی را دفع نماید؛ اما کافران به این معنا ایمان ندارند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۵۷؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۱۲۸).

با وجود ایمان به خداوند، معاد و عذاب و پاداش او، جایی برای ناامیدی نیست؛ اما هنگامی که انکار و کفر باشد، دیگر امیدی برای انسان نیست. زمخشری در «الکشاف» نیز اشاره می‌کند که انکار وحدانیت، کتب، معجزات و لقاء الهی سبب می‌شود تا کافرین از رحمت خداوند یعنی روز قیامت، ناامید شوند. مؤمن امیدوار و متواضع است؛ اما برای کافر نه امید و نه بیم، معنا ندارد؛ زیرا رحمت خداوند برای ایشان وارد نمی‌شود. زمخشری از قول قتاده نقل می‌کند که بایسته است، مؤمن از امید

گشایش و رحمت خداوند ناامید نشود و از عذاب و عقاب او نیز خود را ایمن نداند؛ بلکه شایسته است، با بیم از عذاب، به رحمت خداوند ایمان داشته باشد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۹). قرآن کریم در آیه‌ای دیگر نیز به این امر اشاره می‌کند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَسُؤُونَ مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (عنکبوت، ۲۳).

منظور از «آیات الله» یا «آیات تکوینی» در این آیه، آثار عظمت الهی در نظام آفرینش است و اشاره به مسئله توحید دارد؛ در حالی که «لقائه» اشاره به مسئله معاد است؛ یعنی آنها هم منکر مبدأ و هم منکر معاد هستند. اشاره به «آیات تشریحی» یعنی آیاتی که خداوند بر پیامبرانش نازل کرده است که هم از مبدأ، هم از نبوت و هم از معاد سخن می‌گوید؛ در این صورت تعبیر به «لقائه» از قبیل ذکر عام بعد از خاص محسوب می‌شود؛ پس، این احتمال نیز وجود دارد که منظور همه آیات خدا در عالم آفرینش و تشریح باشد. «بیسوا» فعل ماضی است، هر چند هدف اصلی آن آینده یعنی قیامت می‌باشد؛ زیرا معمول عرب این است که حوادث آینده هنگامی که صد درصد قطعی باشد، گاهی با فعل ماضی از آن تعبیر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۴۱). در نتیجه مراد از رحمت، چیزی است که مقابل عذاب باشد، که قهراً شامل بهشت می‌شود. در کلام خدای تعالی اطلاق رحمت بر بهشت، مکرر شده و مراد از اینکه نسبت ناامیدی به ایشان داده، یا این است که واقعاً ناامید هستند، چون حیات اخروی را منکرند و کسی که اصلاً اعتقادی به آن ندارد، قهراً از سعادت ابدی و رحمت جاودانی، ناامید است؛ یا کنایه از قضایی است که خدا درباره بهشت رانده است که هیچ کفاری داخل آن نشود. بنابراین، می‌توان مفهوم آیه را اینگونه برداشت کرد، کفاری که آیات خدا را که دلالت بر دین حق و مخصوصاً مسئله معاد می‌کند، منکر شدند؛ ایشان از رحمت خدا و بهشت ناامیدند و ایشان عذابی دردناک دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۷۶).

یأس و امید تا حد زیادی به جهان بینی و نگرش افراد جامعه به نظام آفرینش ارتباط دارد. جامعه‌ای که به ماورای طبیعت معتقد است و نظام خلقت را به دنیا محدود نمی‌پندارد، در تاریخ‌ترین لحظات زندگی نیز احساس تنهایی نمی‌کند؛ زیرا همواره خدا را در کنار خود می‌یابد. انسان‌های مؤمن با داشتن این تکیه‌گاه مطمئن، خودشان را رها و زحماتشان را بی‌نتیجه نخواهند دید. در نتیجه چنین بینشی، آنان همت و کارشان را جهت دستیابی به اهداف مورد انتظارشان در ابعاد گوناگون زندگی، مضاعف خواهند کرد. اما با تفکر و جهان بینی مادی و نگاه بدبینانه به طبیعت، اصل و ریشه امید به شدت آسیب می‌بیند (مردانی نوکنده، ۱۳۹۰، ص ۲۸).

از نظر قرآن، حرکت تکاملی جامعه باید به سوی خداوند، بهشت، خانه آخرت، لقای خدا و رحمت

الهی منتهی شود؛ تا انسان‌ها به امور یاد شده، ایمان و امید نداشته باشند و در کفر به سر ببرند، حرکت تکاملی آن‌ها تحقق نخواهد یافت (محققیان، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴). در نتیجه جامعه نیز از این حرکت باز خواهد ایستاد. جامعه‌ای که به خداوند و لقای او باور نداشته باشد و شریک برای خداوند قرار دهد، باعث می‌شود با یأسی که این باور ایجاد می‌کند به سمت کفر حرکت نماید (کهف، ۱۱۰). بنابراین، کفر مانعی جدی برای امید در افراد اجتماع می‌شود و جامعه را از حرکت تکاملی باز می‌دارد.

۳-۱-۲. گمراهی

طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۵۶ سوره حجر «قَالَ وَمَنْ يَنْتُظْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ»، پس از شرح مختصری از داستان این آیه و وعده به ابراهیم برای فرزنددار شدن - در حالی که همسر او پیر است - بیان می‌کند، که خدای تعالی چنین نیست که کسی بتواند جلو مغفرت او را بگیرد، یا بدون مشیت او، امری آن را تحدید نماید. سبب اینکه نباید از غفران و رحمت الهی مأیوس شد و از عذاب و مکر او دل آسوده بود، این است، که هیچ مانعی جلوگیری و محدودکننده اراده و مشیت خدا نیست. با این حال دیگر جانشین کسی از مغفرت او مأیوس و از روح و رحمتش ناامید گردد؛ زیرا نمی‌توان این یأس و ناامیدی را به مانعی توجیه نمود که جلو مغفرت خدا را بگیرد؛ بکله تنها چیزی که مایه وحشت است، ترس از خدای تعالی است.

علامه در تبیین این آیه ذکر می‌کند که این جمله، پاسخ ملائکه به ابراهیم است. حضرت ابراهیم (ع) نیز، در قبال گفته آنان به طور کنایه سخنان را تأیید و در حالت استفهام انکاری اعتراف می‌کند که «کیست که از رحمت پروردگار خود ناامید شود جز گمراهان». وی با بیان این جمله دو هدف را دنبال می‌کند. اول، چنین می‌فهماند که ناامیدی از رحمت پروردگار، از خصائص گمراهان است و من از گمراهان نیستم. دوم، بر اینکه اذعان دارد که پرسشم، پرسش یک فرد ناامید، به خاطر ناامیدی از فرزنددار شدن در این سن نیست؛ بلکه نشانه تعجب است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۲، ص ۲۶۷).

سایر تفاسیر نیز نظری مشابه تفسیر المیزان بیان داشته‌اند؛ به عنوان مثال در تفسیر نور آمده که عصمت انبیاء، منافاتی با هشدارهای الهی ندارد. همه جا نهی خدا، نشانه انجام شدن عملی خلاف نیست؛ چون گاهی نهی‌ها برای پیشگیری هستند و اینکه تعجب از بعضی امور مثل فرزنددار شدن در پیری، غیر از یأس از رحمت خداست و یأس و ناامیدی با یاد رحمت و ربوبیت خداوند درمان می‌شود. پس، کسانی که به علم، قدرت و رحمت خداوند اطمینان دارند، هرگز مأیوس نمی‌شوند (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۴۶۵؛ حسینی، ۱۳۸۲ق، ص ۲۶۶).

در «اطیب البیان» نیز آمده است که ابراهیم (ع) در تأیید سخن ملائکه به کنایه و به صورت استفهام

انکاری مطلب فوق را می‌فرماید و چنین می‌فهماند که ناامیدی از رحمت پروردگار مخصوص گمراهان است و من از گمراهان نیستم؛ لذا سؤال من به خاطر ناامیدی و استبعاد نیست، بلکه از وقوع چنین امری شگفت‌زده شده‌ام (طیب، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۵۲).

در ال‌کشاف نیز آمده است که این به سبب ناامیدی ابراهیم نبوده، بلکه در عادت الهی که خداوند جاری کرده، بوده است؛ زیرا فرزنددار شدن همسر ابراهیم در سنین پیری استبعاد داشته و از این‌رو ابراهیم از آن تعجب کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۰۱).
فخر رازی می‌گوید، ناامیدی از رحمت خدا از این امور سرچشمه می‌گیرد: ۱- جهل به اینکه خدا بر انجام کارها قادر و تواناست؛ ۲- جهل به اینکه خدا عالم به احتیاج‌بندگان است؛ ۳- جهل به اینکه خدا از نقایصی مانند بخل، نیازمندی و جهل منزه است. هر یک از این امور موجب گمراهی است و گمراهی موجب ناامیدی از رحمت خدا می‌گردد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۱۵).

بررسی شرح و تفسیر آیات مرتبط با امید حاکی از آن است که ایمان به خدا مهم‌ترین منشأ امید در انسان و اجتماع است و کفر و گمراهی نیز موانع عمده امید هستند که در صورت وجود آنها جایی برای امید باقی نمی‌ماند. مواردی مانند طلب مغفرت و سایر زمینه‌ها، برای امیدواری ایجاد آمادگی می‌کنند. حتی در مورد کفر نیز در صورتی که قوم و اجتماعی پیش از قطعی شدن نزول عذاب اقدام به توبه کند، هنوز هم جایی برای امید به خداوند باز است.

۳-۱-۳. ترس از مرگ

یکی از عوامل اضطراب و نگرانی، عدم آگاهی و جهل به آینده است. از گذشته تاکنون همواره بشر به دنبال این بوده است که راهی به دنیای تاریک ناشناخته آینده بگشاید و حال آنکه اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که مردم از آینده خویش بی‌خبر باشند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «... وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (لقمان، ۳۴). مصلحت بشر در این است که از آینده خویش بی‌خبر باشد، تا چراغ امید در نهادش فروزان بماند؛ با امید زندگی کند و با امید فعالیت‌های گسترده فردی و اجتماعی را ادامه دهد. اما برای برخی افراد، اصل وجود مرگ، ناگوار و مایه ناامیدی است و حتی نام و یاد مرگ آنان را رنج می‌دهد؛ یا آنکه به دلیل گناهان و اعمال ناپسندشان از مرگ گریزان هستند. مرگ برای کسانی که حقیقت آن را نمی‌دانند ممکن است ناامیدی به بار آورد؛ این گونه افراد نه به دلیل وابستگی به دنیا، بلکه به خاطر شناخت نادرست از مرگ دچار یأس می‌شوند؛ اما برای هیچ‌کس راه فرار وجود ندارد (مومنی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۵-۲۰۰). این حقیقت را قرآن در آیه ۷۸ سوره نساء این‌گونه بیان می‌کند: «إِنَّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ...».

شناخت نادرست موجب می‌شود برخی تصور کنند که مرگ نابودی است؛ درحالی که آیات قرآن این برداشت را تأیید نمی‌کند. مرگ از نظر قرآن یک امر وجودی است؛ حتی بعضی آیات نیز، مرگ را با صراحت، مخلوق خدا شمرده است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ» (ملک، ۲). در برخی آیات نیز مرگ به شربتی تشبیه شده است که انسان آن را می‌نوشد: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ».

۲-۳. عوامل هیجانی

۱-۲-۳. افسردگی

گاهی اوقات افراد جامعه در زندگی روزانه خود انواع گوناگونی از عواطف و هیجانات را احساس می‌کنند؛ از جمله ترس یا اضطراب، خشم، غم، اندوه و امثال این موارد، که روانشناسان موضوع این عواطف و هیجانات را مورد مطالعه قرار داده و عناصر تشکیل‌دهنده، علل و عوامل پیدایش، و تأثیر آنها در رفتار انسان و بهداشت جسمی و روانی، بررسی کرده‌اند (نجاتی، ۱۳۹۱، ص ۶۹).

در قرآن، یکی از عوامل زمینه‌ساز افسردگی، کم‌ظرفیتی و فقدان شرح صدر است؛ که این، نه تنها موجب کاهش انگیزه و سلب توانایی‌های افراد در برخورد با مشکلات فردی و اجتماعی می‌گردد، بلکه قدرت استفاده از نعم الهی را نیز می‌ستاند. از این‌رو چنین انسان‌هایی نمی‌توانند از خوشی‌ها، لذت کافی ببرند و نسبت به انجام فعالیت‌هایی که قبلاً لذت‌بخش بوده‌اند، بی‌علاقه می‌گردند. چنین انسان‌هایی، هنگام برخورد با مشکلات، با فراموشی قدرت خداوند، خود را گم می‌کنند و چنان بیچاره و زبون می‌شوند که آدمی باور نمی‌کند که آن‌ها همان انسان‌های سابق هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۵۶؛ طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج ۵، ص ۲۲۰). خداوند در آیه نهم سوره هود به زیبایی به این حقیقت اشاره کرده است: «وَلَيْسَ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكَيْفُوسٌ كَفُورٌ». در این خصوص آیات مشابه دیگری همچون آیه ۴۹ سوره فصلت و آیات ۱۹-۲۰ سوره معارج وجود دارد (پرچم و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۹۲).

۲-۲-۳. غرور

غرور یکی از موانع امید است. در منطق قرآن، انسان‌های مغرور آن دسته از کسانی هستند که نسبت به اسباب فرامادی دچار غفلت می‌شوند؛ چنانکه برخی از مفسرین در ذیل آیه ۵۰ سوره فصلت، عامل این غفلت را جهل انسان‌های مغرور می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۴۳۹). صاحب «ارشاد الازدهان» در ذیل آیه ۵۱ سوره فصلت، عامل اعراض و انحراف را تکبر درونی انسان‌های مغرور برمی‌شمرد (نجفی سبزواری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۱۲۰)؛ که از دیدگاه برخی از علما، این حالت برآمده از توهم شناختی است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۱۲۰).

به طور کلی با توجه به تفاسیر ذیل آیات می‌توان سه علت برای ناامیدی افراد مغرور برشمرد:

(۱) اعتماد به اسباب و وسایل مادی (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۴۴۸؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۴۴۷)؛

(۲) ویژگی خودخواه و ناسپاس بودن انسان (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۷، ص ۳۳۶)؛

(۳) ضعف یقین (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۹).

از این رو هنگامی که به افراد مغرور خیری برسد، از آنجا که به اسباب فرامادی توجه ندارند، سرگرم و مشغول خود شده و دچار خودبینی و خودپسندی (غرور) می‌شوند؛ زیرا خود را مستحق چنین خیری می‌دانند و هیچ توجهی ندارند که از جای دیگری این خیر به آنها لطف شده است. همچنین هنگامی که به افراد مغرور شری برسد، چون فقط به اسباب ظاهری توجه دارند، عاجز از دفع آن هستند؛ از این رو ناامید می‌شوند که با دفع این شر بتوانند به خیر و لذت دست یابند (خلیلیان شلمزاری، ۱۳۹۱، ص ۵۹). چنانکه صاحب تفسیر المیزان این برداشت را در ذیل آیه «وَلَئِنْ أَذَقْنَا نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّةٍ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورًا» (هود، ۱۰) مطرح می‌کند.

انسان‌های مغرور } با اصابت شر ← ناتوان از دفع شر ← ناامید
 } با اصابت خیر ← سرگرم و مشغول به خود ← خودپسند (مغرور)

به توجه به مطالب بیان شده، می‌توان این مطلب را به جامعه هم تسری داد و گفت جامعه‌ای که دچار غرور شود، چون افراد آن جامعه فقط به اسباب ظاهری توجه پیدا می‌کنند، عاجز از دفع آن هستند و در نتیجه جامعه دچار ناامیدی می‌شود.

۳-۲-۳. عدم انگیزش

جامعه‌ای که انگیزه برای انجام کاری ندارد، کم‌کم دچار ناامیدی می‌شود. در این مورد می‌توان به آیه ۸۷ سوره یوسف اشاره کرد: «يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَّأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ». همچنین در آیه ۸۰ سوره یوسف آمده است که برادران یوسف، از نجات دادن بنیامین ناامید شدند؛ از این رو حضرت یعقوب برای اینکه آنها را از ناامیدی برهاند تا مشغول جستجو شوند، به بعد انگیزشی امید اشاره می‌کند و برادران یوسف را نسبت به اینکه بخواهند مایوس باشند، برحذر می‌دارد، تا با امید به خداوند دنبال یوسف و بنیامین بروند. با توجه به آیه مذکور می‌توان چنین گفت که هر جامعه‌ای ناامید از روح خدا باشد، انگیزه لازم برای انجام دادن اعمال را ندارد.

۱. «فَلَمَّا اسْتَيْسَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا»، پس چون از او ناامید شدند، رازگویان کنار کشیدند.

۳-۳. موانع رفتاری

۳-۳-۱. فقدان شرح صدر

عامل دیگری که زمینه‌ساز ناامیدی در جامعه است و قرآن به آن اشاره می‌نماید، کم‌ظرفیتی است. نداشتن شرح صدر و ظرفیت لازم در جامعه، نه تنها موجب سلب توانایی‌های افراد اجتماع در برخورد با مشکلات و گشودن گره‌ها می‌گردد، بلکه قدرت استفاده از خوشی‌ها و نعمت‌ها را نیز از آن‌ها می‌ستاند. به همین دلیل انسان‌های کم یا بی‌ظرفیت در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، خود را گم می‌کنند. آنان زمانی که در فراوانی نعمت فرومی‌روند، غرور و غفلت دامن‌گیرشان می‌گردد و آنجا که مشکلات و سختی‌ها به آنها روی می‌آورد، یأس و ناامیدی گلویشان را می‌گیرد و به ایشان فشار وارد می‌نماید؛ تاحدی که عرصه زندگی را بر آنان تنگ می‌کند و چنان دستپاچه، زبون و مایوس می‌گردند که انسان باور نمی‌کند اینها همان انسان‌های سابق هستند. آیات ۹ تا ۱۱ سوره هود به خوبی به این حقیقت اشاره نموده است: «وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ * وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمًا بَعْدَ ضَرْبٍ مَسَّئِهِ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتِ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ * إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» (محققیان، ۱۳۸۸، ص ۲۶۰).

سیاق آیات فوق، به بیان ویژگی‌های افراد بی‌ایمان و کم‌ظرفیت، پرداخته و گوشه‌هایی از حالات روانی و نقاط ضعف اخلاقی این افراد را تشریح کرده است؛ همان نقاط ضعفی که انسان را به راه‌های تاریک و فساد می‌کشاند و مانع هدایت او به سوی کمال می‌گردد. علامه در تفسیر این آیات بر این باور است که هرچند آیات قبل مربوط به کفار بودند، اما در این دو آیه که برای انسان ذکر شده است، خاص کفار نیست؛ بلکه صفت نوع بشر است و در اکثر انسان‌ها قابل مشاهده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۵۵).

در حقیقت زمانی که خداوند به عنوان آزمایش، نعمتی را در اختیار انسان قرار می‌دهد و سپس آن را از او می‌گیرد، معمولاً انسان دچار ناامیدی و ناسپاسی می‌شود و به شدت ناامید می‌گردد؛ تا این حد که گویی بازگشت مجدد آن نعمت را غیرممکن می‌داند. آن‌گاه به کفران نعمت‌های الهی می‌پردازد؛ گویی خود را طلبکار خداوند در آن نعمت می‌دانسته و آن را حق ثابت خود می‌پنداشته است؛ در این حالت با ناامیدی و ناسپاسی، از خدا دور می‌شود (محققیان، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱-۲۶۲).

۳-۳-۲. عدم خودمهارگری در ارتکاب گناهان

یکی دیگر از موانع امید، لغزش‌ها و گناهانی است که افراد جامعه در اثر عدم خودمهارگری مرتکب آن می‌شوند. لغزش و گناه مانند باتلاقی است که افراد جامعه هرچه بیشتر در آن گام می‌گذارند، بیشتر در آن فرو می‌روند. به عبارت روشن‌تر، جنبه روحی و روانی گناه و لغزش، حالتی را در انسان پدید می‌آورد که

اگر زایل نشود، آمادگی بیشتری برای ارتکاب گناه به وجود خواهد آمد و طعمه خوبی برای شیطان خواهد شد. در این حالت افراد گناهکار، که پرونده خود را جز آلودگی به گناه و رذایل نمی‌بینند و روزنه‌های امید می‌بندند، به گرداب یأس و افسردگی روانی می‌افتند و در سراسیمی سقوط و غرق شدن پیش می‌روند. آن‌ها احساس می‌کند تمام پل‌های پشت سر خود را خراب کرده و هیچ راه بازگشتی وجود ندارد (محققیان، ۱۳۸۸، ص ۲۶۳).

قرآن کریم گمراهان را در زمره ناامیدان می‌شمارد و گمراهی و انحراف را عامل یأس و ناامیدی می‌داند؛ زیرا گمراهان، که خدا را نشناخته، یا قادر بر همه چیز ندانسته، یا در صفات الهی کوتاهی کرده‌اند، ممکن است مأیوس و ناامید باشند: «قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر، ۵۶).

زمانی که جامعه‌ای به کلی از راه حق منحرف گردد، انقطاع از حق و از مقام الوهیت پیدا می‌کند؛ در نتیجه، امید برای هدایت و رسیدن به رحمت و درک فیوضات الهی پیدا نخواهد کرد. از این‌رو افراد گمراه و منحرف امید ندارند و همواره خود را مأیوس می‌بینند. در چنین مواقعی، اسلام به یاری انسان‌های گمراه می‌شتابد و ضمن هشدار، آن‌ها را به رحمت بیکران الهی فرامی‌خواند؛ به آنها امید می‌دهد و راه توبه را فرا روی آن‌ها می‌گذارد: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر، ۵۳). زیرا خداوند، خود را به قبول‌کننده توبه توصیف فرموده است: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ» (شوری، ۲۵).

با اندکی تأمل در آیه ۵۳ سوره زمر، می‌توان به نکات زیر پی‌برد که بسیار قابل توجه است: خداوند فرمود: «يَا عِبَادِيَ» که متضمن لطف خطاب است و نفرمود: «يا ايها العصاة: ای گنهکاران!»؛ یا فرمود: «أَسْرَفُوا» که مشتمل بر رفتن در خطاب است و نفرمود «أَخْطَأُوا». همچنین فرمود: «لَا تَقْنَطُوا»، که صریحاً دلالت بر نهی از ناامیدی و حرام بودن یأس از آمرزش دارد. علاوه بر آن، هنگامی که به جمله «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ» می‌رسد که با حرف تأکید و کلمه «الذنوب»، (جمع با الف و لام) آغاز شده است که همه گناهان را بدون استثناء در برمی‌گیرد، سخن اوج می‌گیرد و دریای رحمت الهی موج می‌شود. هنگامی که «جَمِيعًا» به عنوان تأکید دیگری بر آن افزوده می‌شود، امیدواری به آخرین مرحله می‌رسد. توصیف خداوند به (غفور) و (رحیم) که دو وصف از اوصاف امیدبخش پروردگار است، در پایان آیه جایی برای کم‌ترین یأس و ناامیدی باقی نمی‌گذارد.

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر درصدد بررسی روان‌شناختی موانع امید در جامعه با نگاه قرآنی بود. بدین منظور، مطالبی از منابع اسلامی به خصوص قرآن مورد بررسی قرار گرفت و با نگاهی روان‌شناختی، موانع امید در

جامعه استخراج گردید. در یک نگاه کلی مشخص شد که سه مانع شناختی، هیجانی و رفتاری برای امید در جامعه نقش دارند و هرکدام از این عوامل با نگاه جزئی‌تر از عوامل دیگری نشأت می‌گیرند. در حوزه موانع شناختی، که بر باورها و افکار تکیه دارد، می‌توان موانعی همچون کفر (یوسف، ۸۷؛ عنکبوت، ۲۳)، گمراهی (غافر، ۳۹؛ زمر، ۴۲) و ترس از مرگ (ملک، ۲؛ آل عمران، ۱۸۵؛ لقمان، ۳۴) را از موانع شناختی امید در جامعه برشمرد. در حوزه عاطفی که به احساسات و حالات درونی افراد اطلاق می‌شود، سه مانع افسردگی (هود، ۹؛ فصلت، ۴۹)، غرور (هود، ۱۰؛ فصلت، ۵۰) و عدم انگیزش (یوسف، ۸۰، ۸۷) موانع امید در جامعه هستند و در حوزه رفتاری که بروز و ظهور کنشی را در برمی‌گیرد، می‌توان به موانعی همچون فقدان شرح صدر (احزاب، ۲۱) و عدم خودمهارگری در ارتکاب گناهان (حجر، ۵۶؛ زمر، ۵۳؛ شوری ۲۵) اشاره کرد.

— منابع —

قرآن کریم.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

بهارى، فرشاد (۱۳۹۰). *مبانی امید و امیدآفرینی (راهنمای امیدآفرینی)*. تهران: دانژه.

پرچم، اعظم؛ فاتحی زاده، مریم؛ محققیان، زهرا (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی ناامیدی در نظریه اسنایدر و قرآن کریم. *مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث*، ۴۳(۸۷)، ص ۱۰۸-۸۳.

تستری، سهل بن عبد الله (۱۴۲۳ق). *تفسیر تستری*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*. تهران: کتابفروشی لطفی، ج ۱۴.

حسینی، سید عباس (۱۳۸۲ق). *تفسیر علین*. قم: انتشارات اسوه.

خلیلیان شلمزاری، محمود (۱۳۹۱). *ساخت و اعتباریابی مقیاس امید از دیدگاه اسلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: غلامرضا جندقی؛ استاد مشاور: عباس پسندیده و فرید براتی سده. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

دلاور، علی (۱۳۷۴). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد، چاپ چهارم.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). *المفردات فی غریب القرآن*. دفتر نشر کتاب.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتاب العربی، ج ۳.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۱۰، ۱۶، ۱۲.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۲۲ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی، ج ۱۱.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹). *مجمع البیان*. تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۵.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ق). *المجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۱۲.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۶.

طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر قرآن*. تهران: انتشارات اسلام، ج ۴، ۸.

علیپور، مهدی؛ حسنی، سید حمیدرضا (۱۳۸۹). *پارادایم اجتهادی دانش دینی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

فاضلی، نصرالله (۱۳۷۶). آموزش، تحقیق و ترویج: تحلیل محتوای نامه علوم اجتماعی. *نمایه پژوهش*، ۱(۲)، ص ۹۹-۱۱۴.

فخرالدین رازی، محمد بن عمر ابوعبدالله (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۹.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸ق). *الاصفی فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ج ۷، ۴.

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت، ج ۹.

کرپیندورف، کلوس (۱۳۷۸). *مبانی روش شناسی تحلیل محتوا*. ترجمه هوشنگ نائینی. تهران: نشر نی.

محققیان، زهرا (۱۳۸۸). *تحلیل مفهوم امید از منظر قرآن و علم روانشناسی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته الهیات: علوم

قرآن و حدیث. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.

- مردانی نوکنده، محمدحسین (۱۳۹۰). جایگاه و نقش امیدآفرینی در زندگانی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و دینی. مهندسی فرهنگی، ۶(۵۷-۵۸).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۰-۱۱، ۱۶.
- مومنی، علی اکبر (۱۳۹۷). امید در زندگی از منظر قرآن کریم. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- نجاتی، محمدعثمان (۱۳۹۱). حدیث و روان‌شناسی. ترجمه حمیدرضا شیخی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان. تهران: انتشارات اسلامی، ج ۱۷.
- نجفی سبزواری، محمد بن حبیب‌الله (۱۴۱۹ق). ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ج ۱.
- Snyder, C.R. & Lopez S.J. (2007). *Positive Psychology The Scientific and Practical Explorations of Human Strengths*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Snyder, C.R. (2000). *Handbook of hope: Theory, Measures and Applications*. ed. by C.R. Snyder. USA: Academic Press.
- Zhang, Y. & Wildemuth, B.M. (2005). Qualitative Analysis of Content. *Human Brain Mapping*, 30(7), p. 2197-2206.

تحليل نفسي لعوائق الأمل في المجتمع من منظور القرآن

مجيد جعفرى هرفته^١، محمد كاويانى ارانى^٢

^١دكتوراه فى قسم القرآن وعلم النفس، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران (المؤلف المسؤول). majidjafari@gmail.com

^٢الأستاذ المشارك، قسم علم النفس، مركز البحوث العلمية والجامعية، قم، إيران. m_kavyani@rihu.ac.ir

الملخص

يهدف البحث الحالي إلى دراسة العوائق النفسية التي تواجه الأمل في المجتمع من منظور القرآن. تم تنظيم هذا البحث استناداً إلى أسلوب تحليل المحتوى النوعي. لهذا الغرض، تمت دراسة المصادر الإسلامية والنفسية، واستخراج المواد بترتيب منطقي. تشير نتائج البحث إلى أنه من منظور القرآن وبنظرة نفسية يمكن اعتبار ثلاث عوائق معرفية، عاطفية وسلوكية مؤثرة على الأمل في المجتمع. الكفر، الضلالة، وخوف الموت، هي من العوائق المعرفية للأمل في المجتمع. في المجال العاطفي، يمكن الإشارة أيضاً إلى ثلاث عوائق: الاكتئاب، الغرور، ونقص التحفيز. وفقدان شرح الصدر، وعدم السيطرة على الذات في ارتكاب المعاصي، يُعدان من العوائق السلوكية للأمل.

الكلمات الرئيسية: الأمل، المجتمع، القرآن، الغرور، الموت، الكفر.

Psychological Examination of Obstacles to Hope in Society from the Perspective of the Quran

Majid Jafari Herafteh¹, Mohammad Kavyani Arani²

¹ Ph.D., Department of Quran and Psychology, Al-Mustafa Al-Alamiya Society, Qom, Iran
(Corresponding author). majidjafari@gmail.com

² Associate Professor, Department of Psychology, University Research Institute, Qom,
Iran.m_kavyani@rihu.ac.ir

Abstract

The present research aims to examine the psychological obstacles to hope in society from the perspective of the Quran. This research is based on the qualitative content analysis method. For this purpose, Islamic and psychological sources were studied, and the contents were logically arranged. The findings of the research indicate that from the perspective of the Quran and with a psychological view, three cognitive, emotional, and behavioral obstacles can be considered effective for hope in society. Disbelief, misguidance, and fear of death are cognitive obstacles to hope in society. In the emotional domain, three obstacles of depression, pride, and lack of motivation can be mentioned. Lack of clarity of the chest, and lack of self-control in committing sins are also among the behavioral obstacles to hope.

Keywords: Hope, Society, Quran, Pride, Death, Disbelief.

Received: 2022/11/27 ; **Revision:** 2022/12/25 ; **Accepted:** 2023/01/25 ; **Published online:** 2023/03/23

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

Article type: Research Article
© the authors

